

هنر واژه‌گزینی اشعار «علی الجشی القطیفی» در ستایش امام سجاد (ع)

رضا مظفرنیا^۱ (دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر، کاشمر، ایران)

محمد جعفری*^۲ (استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر، کاشمر، ایران)

فریبرز حسین جانزاده سرستی^۳ (استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر، کاشمر، ایران)

DOI: [10.22034/JILR.2024.140275.1102](https://doi.org/10.22034/JILR.2024.140275.1102)

تاریخ الوصول: ۲۰۲۳/۱۲/۰۸

صفحات: ۷۵-۹۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۷

تاریخ قبول: ۲۰۲۴/۰۱/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳

چکیده

واژگان سهم بسزایی در شکل‌گیری و تکوین اثر ادبی، میزان کیفیت اثر و همچنین القا و انتقال گفتمان اثر به مخاطب دارد. با بررسی واژگان می‌توان به نتایج دقیق و جامعی که بر کل اثر ادبی قابل سرایت و تعمیم است و محقق را تا حدود زیادی از پرداختن به دیگر اجزای متن بی‌نیاز می‌سازد. در سبک‌شناسی مدرن توجه به واژگان و انواع آن بسیار مورد توجه محققان و نظریه‌پردازان قرار گرفت و آنها با تقسیم واژگان به انواع و گروه‌های خاصی سعی کردند الگویی برای تدوین نظام واژگانی یک متن و اثر ادبی بدست بیاورند. این مقاله با تکیه بر اهمیت واژه‌گزینی و نقش آن در تصویرسازی و گفتمان‌کاوی متن در صدد است به بررسی این مقوله در دو قصیده «لامیه» (کم مصاب...) و «عینیه» (أ تجزع...) شاعر شیعی اهل قلیف عربستان، علی الجشی بپردازد؛ دو قصیده‌ای که در مدح امام سجاد (ع) گفته شده است. این شاعر که به مدح و ستایش تمامی امامان شیعه پرداخته است، در پاره‌ای از چکامه‌های خویش، شخصیت و زندگی امام سجاد (ع) را دستمایه قصاید نغز و مدحی خود نموده است. طبق نتایج بدست آمده از این تحقیق که بر حسب روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته نشان می‌دهد که شاعر از واژگان حسی و خاص برای ترسیم وقایع اجتماعی مربوط به زندگی امام سجاد (ع) به ویژه واقعه عاشورا و از واژگان انتزاعی و نشاندار برای ترسیم اخلاقیات امام معصوم بهره گرفته است.

کلیدواژه‌ها: سبک‌شناسی، واژه‌گزینی، علی‌الجشی، مدح اهل بیت، امام سجاد (ع)

^۱ پست الکترونیک: mozafarinia.Reza@gmail.com

^۲ نویسنده مسؤول؛ پست الکترونیک: jafari@iaukashmar.ac.ir

^۳ پست الکترونیک: Janzadeh46@gmail.com

إبداعية اختيار الألفاظ في أشعار علي الجشي القطيفي في مدح الإمام السجاد (ع)

الملخص

للمفردات مساهمة كبيرة في تكوين العمل الأدبي وتطويره وتنمية مستوى جودة العمل، وكذلك تحريض ونقل خطاب العمل الأدبي إلى الجمهور. ومن خلال فحص المفردات يمكن الحصول على نتائج دقيقة وشاملة يمكن نشرها وتعميمها على العمل الأدبي بأكمله، حيث لا يحتاج الباحث إلى التعامل مع مكونات النص الأخرى. في الأسلوبية الحديثة اهتم الباحثون والمنظرون بالكلمات وأنواعها، ومن خلال تقسيم الكلمات إلى أنواع ومجموعات محددة، حاولوا الحصول على نموذج للإشراف على النظام المعجمي للنص والعمل الأدبي. تستهدف هذه المقالة، بالاعتماد على أهمية اختيار الكلمة ودوره في تصور النص وتحليل خطابه، إلى بحث كيفية اختيار الألفاظ وإبداعيتها في القصيدة اللامية (كم مصاب... والعينية (أبجذ...)) للشاعر الشيعي القطيفي علي الجشي. هاتان القصيدتان قيلتا في مدح الامام السجاد (ع). هذا الشاعر الذي مدح جميع أئمة الشيعة، اتخذ من شخصية وحياة الإمام السجاد (ع) في بعض قصائده أساساً لقصائد مدحه. في ضوء النتائج التي تم الحصول عليها من هذا البحث الذي تم وفق المنهج الوصفي التحليلي تبين أن الشاعر يستخدم كلمات حسية ومحددة لتصوير الأحداث الاجتماعية المرتبطة بحياة الإمام السجاد (ع) وخاصة مأساة عاشوراء. من تمَّ تم استخدام الكلمات المجردة والرمزية في تصوير أخلاق الإمام المعصوم.

الكلمات المفتاحية: الأسلوبية، اختيار الكلمات، علي الجشي، مدح أهل البيت، الإمام السجاد (ع)

مقدمه

بخش عمده‌ای از سرشت یک سبک را نوع‌گزینش واژه‌ها می‌سازد. به نظر سبک‌شناسان واژه‌ها ایستا و جامد نیستند، بلکه جاندار و پویا هستند. برخی ثابت و انعطاف‌ناپذیرند و برخی در اثر فشار بافت‌های مختلف تغییر شکل و معنا می‌دهند و جدال و انگیزشی مداوم برای تخیل نویسنده ایجاد می‌کنند. بدین‌سان واژه‌ها از نظر ویژگی‌های ساختمانی گونه‌های دلالت و مختصات معنایی، بسیار متنوع می‌باشند. کاربرد حداکثری هر کدام از انواع واژگان متن‌های ادبی، زمینه شکل‌گیری نوع خاصی از سبک را پدید می‌آورد. از این رو برای سبک‌شناس کاربردهای برجسته، معنادار و نقشمند یک نوع واژه یا یک سبک یا یک طبقه واژگانی در متن اهمیت دارد. واژه‌ها علاوه بر انتقال معنی و ایده‌ها، حامل نشانه‌های متمایز کننده‌اند. ساخت نظام واژه‌گزینی و نوع واژه‌های مسلط بر متن یک ضرورت سبک‌شناختی است. هر طیف واژگانی، تناسب خاصی با نوع اندیشه و سبک دارد و می‌توان گفت که واژه‌ها شاخص‌های عقیدتی و ایدئولوژیک هم دارند (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۴۹). انتخاب واژه‌ها و نحوه‌کار بست آنها در متن با دانش ریخت‌شناسی در ارتباط است و در قالب ساختارها و مقاطع و عناصر آوایی که به معانی صرفی و نحوی منجر می‌شود (عتیق، ۱۳۹۵: ۱۰) انجام می‌گیرد. در واقع با وجود خُرد بودن این عنصر زبانی، ارتباط آن با بافت و ساختارهای کلان غیر قابل انکار است.

واژه‌ها به عنوان عناصر زمانی معنادار، اولین چیزی است که ذهن هر خواننده‌ای را در مواجهه با اثر به خود جلب می‌کند. بنابراین آنچه بیش از همه در این میان اهمیت دارد، گزینش واژگان است؛ زیرا که نوع‌گزینش واژگان و الفاظ گوینده نقش مهمی در تعیین سبک وی ایفا می‌کند به گونه‌ای که تنوع در متون ادبی، بستگی به واژگان و کاربردهای زبانی آنها در کلام شاعر یا نویسنده دارد. نوع سبک در گرو نوع واژگان واژه و تعابیر و عبارات موجود و پرتکرار تعیین می‌گردد. نویسندگان مختلف برای بیان یک معنای واحد تعابیر مختلف دارند و از واژه‌ها و عبارات گوناگون استفاده می‌کنند و بدین ترتیب سبک آنان [با یکدیگر] اختلاف دارد» (طالبیان، ۱۳۷۸: ۱۶). بررسی واژگان و واکاوی آن، در تعیین‌بخشی مقوله‌های مهمی چون سبک اثر، گفتمان اثر، گونه اثر و غیره اثرگذار است و با بررسی این عنصر زبانی به ظاهر کوچک می‌توان به نتایج معناشناختی و سبک‌شناسی دقیق و علمی دست یافت.

بررسی واژگان یا به طور کلی نقد و بررسی اشعار «علی‌الجشی» از چندین منظر دارای اهمیت است. این شاعر شیعی کمتر شناخته شده، اهل قطیف عربستان است. شاعران این سرزمین از توجه کمتری در پژوهش‌های آکادمیک نسبت به شاعران عراقی و لبنانی برخوردارند. همچنین این شاعر شیعی با وجود اینکه در فقه علامه روزگار خود بود و یک روحانی با فضیلت به شمار می‌رفت، در جهان شعر نیز مجموعه آثار شعری کاملی به جا گذاشته است که از امتیاز و غنای ادبی فراوانی برخوردار است و شاید شخصیت دینی و فقهی علی‌الجشی تا حدودی مانع از توجه او به عنوان شاعر

و بررسی اشعار او شده است. بنابراین تحلیل و بررسی اشعار این شاعر از هر نظر در نوع خود درخور اهمیت است. این پژوهش برای دستیابی به نتایج ملموس تنها به بررسی واژگان، واکاوی نوع و چگونگی انتخاب الفاظ در دو قصیده مهم شاعر در ستایش امام سجاد (ع) می‌پردازد تا نوع واژگان و کارکردهای گفتمانی و ایدئولوژیک و سرانجام هنر و موفقیت شاعر در واژه‌گزینی مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

سوالات پژوهش

این مقاله می‌کوشد به دو سوال زیر پاسخ دهد:

۱. از میان طیف‌های واژگانی حسی-ذهنی، صریح-ضمنی، نشاندار-بی‌نشان، خاص-عام، کدام طیف در دو قصیده کاربرد بیشتری دارد؟
۲. شاعر با کاربرد هر کدام از این انواع واژگان به دنبال چه اهداف و کارکردهای زیباشناختی است؟

پیشینه تحقیق

درباره اشعار علی الجشعی تاکنون پژوهش‌های بسیار اندکی صورت گرفته است و در ایران تنها یک پژوهش آن هم به صورت مختصر به او اشاره کرده است و آن مقاله (۱۳۹۹) «بررسی و تحلیل درون‌مایه‌های اشعار رضوی شاعران معاصر عرب»، به تحقیق حسین مهتدی، منتشر شده در «مجله فرهنگ رضوی» است. محقق در این مقاله به بررسی اشعار رضوی چند تن از شاعران معاصر عرب پرداخته که شعر علی الجشعی از این شمار است. همچنین رسول کاظم عبدالساده (۲۰۱۶) در فرهنگ «موسوعة أدباء إعمار العتبات المقدسة»، که در مجمع الذخائر الإسلامية نجف به چاپ رسیده، در جلد دوم، در شش صفحه به بیان زندگی و مهمترین ویژگی‌های ادبی و نگاهی به آثار او پرداخته است. همچنین در کتاب (۱۹۷۸) با عنوان «أدب الطّف أو شعراء الحسين عليه السلام» به قلم جواد شبر، که در نشر دارالمرتضی بیروت چاپ شده است، نویسنده در جلد چهارم در دو صفحه مختصری از زندگی و آثار علی الجشعی ارائه داده است. غیر از این موارد، گزارش‌های کلی و نوشته‌های پراکنده‌ای در سایت‌ها ادبی و فرهنگی از این شاعر موجود است و نویسندگان این مقاله به جز موارد اشاره شده، به پژوهش مستقل دیگری از این شاعر دست نیافته‌اند و پژوهش حاضر از آنجایی که برای اولین بار و به صورت موردکاوی، هنر واژه‌گزینی و نحوه عملکرد شاعر در این رابطه در دو قصیده می‌پردازد، پژوهش جدید است که تاکنون کسی به آن نپرداخته است.

توضیحی درباره لایه واژگانی در سبک شناسی

بررسی واژگان در یک متن و اثر ادبی، در تعریف بسیاری از نظریه پردازان سبک شناسی با علم دلالت و معناشناسی در ارتباط است زیرا «علم دلالت یا معنا شناسی به ارتباط میان زبان و معنی می پردازد. و یا به عبارت دیگر، دال و مدلولی در زبان است. به نحوی فرایند کلام برای آن دو جنبه دارد. یکی مادی و آن صداهاى منطوق است و دیگر عقلی و آن معنی است. و مقصود در اینجا دوم است. از این رو واجب است که تحلیل زبانی در دو خط موازی حرکت کند (أولمان، ۱۹۷۵: ۳۷). به عبارتی «دانش معناشناسی، مطالعه علمی معناست، همچنان که زبانشناسی، مطالعه علمی زبان است و منظور از مطالعات علمی، توصیف پدیده‌های زبانی معنا در چارچوب یک نظام، بدون هر پیش‌انگاری است؛ به عبارت دیگر، معناشناسی مطالعه معنی کلمات، عبارات و جمله‌هاست و همیشه تلاش شده است که به معنای قراردادی واژه‌ها بیشتر تکیه شود تا آنچه گوینده می‌خواهد، واژه را در موقعیت خاصی معنا کند (صفوی، ۱۳۸۷: ۲۲). به عبارتی توجه به واژه در موقعیتی که در آن قرار گرفته از اولویت‌های اصلی سبک‌شناس است.

صرف یا بررسی واژگانی به طور کلی به شناخت کارکرد سازه‌های صرفی و اثر آن در ساختار کلمه توجه می‌کند؛ از این رو زبان‌شناسان از آن به این شکل تعریف می‌کنند که واژگان کوچکترین سازه در ساختار جمله هستند که کارکردهای خاصی القاء می‌کنند (حجازی، ۱۹۷۸: ۱۰۲). به عبارتی کوچک بودن آن نشانگر عدم اهمیت معناشناختی آن نیست. زیرا «مفردات و واژگان به کار رفته در ساختار اثر ادبی و تعیین عناصر سبکی اهمیت ویژه‌ای در کشف معیارهای زبان و شاخصه‌های آن دارند و نقش مهمی در تشخیص عناصر ذهنی و عاطفی از یکدیگر در حوزه تعبیر ایفا می‌کنند و باید در تعبیر فکر و اندیشه، میزان انفعالات عاطفی واژگان را از خلال تحلیل مجموعه‌ای از واژگان مترادف و وابسته به آن تا حد توان مقایسه کرد» (فضل، ۱۹۹۸: ۲۹). واژگان کلید فهم هر متنی را تشکیل می‌دهد و کلیدواژه‌ها هر متن و نحوه انتخاب و تعامل یک گوینده، نویسنده، شاعر یا سخنور از هر سنخ و رشته‌ای در شناخت رویکردهای فکری و معناشناسی از اهمیتی غیر قابل انکار برخوردار است.

پردازش تحلیلی موضوع

در این بخش از مقلله به بررسی اشکال مختلف واژه‌گزینی و کارکردهای مختلف آن با توجه به موقعیت متنی و مضامین و بن‌مایه‌های موجود در اشعار علی الجشی در رابطه با ستایش امام سجاد (ع) پرداخته می‌شود. طبیعی است که استفاده به موقع و مناسب و کارآمد از واژگان توسط شاعر نشانگر هنر واژه‌گزینی او است که در ادامه اشکال این گزینش و کارکردهای هر کدام، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد:

واژگان حسی و انتزاعی

از بدیهی‌ترین و اصلی‌ترین نوع واژگان می‌توان به تقسیم واژگان به حسی و انتزاعی اشاره کرد. «واژه‌هایی که بر عقاید، کیفیات، معانی و مفاهیم ذهنی دلالت دارند انتزاعی‌اند و واژه‌هایی که بر اشیاء واقعی و محسوس دلالت دارند عینی و حسی‌اند. غلبه‌ی واژه‌های عینی (در برابر ذهنی) سبک متن را حسی می‌کند و کثرت واژه‌های ذهنی موجود انتزاعی شدن سبک می‌شود» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۵۱) هر کدام زبانی به مقادیر قابل توجهی از واژگان حسی و انتزاعی برخوردار است که گویشوران آن زبان برای اهداف خود از آنها بهره می‌برند (شمیسا، ۱۳۹۳: ۲۱۷) اما نحوه و میزان کاربرد آنها با توجه به مضمون و بافت متنی در یک اثر ادبی، در تعیین سبک آن مؤثر است.

در اشعار شیعی «علی‌الجشعی» که در سبک کلاسیک یا قالب «القصیده التقلیدیة» سروده شده، شاعر به کیفیت‌گزینش واژگان توجه فراوانی کرده است. طبیعتاً واژگان حسی و انتزاعی هر کدام برای مقاصد و اهداف خاصی در خدمت شاعر درآمده است. به نظر می‌آید شاعر در بخش‌های آغازین قصیده از واژگان حسی و بصری بیشتر از واژگان انتزاعی استفاده کرده است؛ زیرا شاعر بیشتر ابیات شعری این بخش خود را مصروف توصیف صحنه‌های مربوط به زندگی امام سجاد (ع) که واقعه عاشورا از مهمترین آنهاست، نموده است. بدین سبب واژگان حسی در صدد ترسیم دقیق تراژدی حاکم در برهه‌ای مهم از زندگی امام سجاد (ع) است. به عنوان مثال در قصیده لامیه «کم مصاب...» در بخش‌های مختلفی شعر خود را مربوط به تصویرسازی شرایط امام سجاد در کربلا و شام نموده است. مثلاً در ابیات زیر از او می‌خوانیم:

عید بالضرب وعزی بالجفا حیث سامته لها الولیات قتلا
ومن الطف أسیراً قد سری موثقاً کابد أقیاداً وغلا
ولقد شاهد فی الشامات ما ساء من أهلها قولاً وفعلاً
(الجشعی، ۲۰۰۳: ۲۸۰)

ترجمه: «لشکر یزید، با ضرب و شتم اسرا خوشحالی می‌کردند و با ستم کردن به آنها تسلیت می‌گفتند، به نحوی که مصیبت‌ها او را به شدت رنجور ساخته بود/ از طف در حالت اسارت با غل و زنجیره به سوی شام کشانده شد/ در شامات، کردارها و گفتارهای بد و ناپسند از یزید و یارانش مشاهده کرد»

شاعر در اینجا از «ضرب»، «قتل»، «غل و زنجیر»، «شکنجه»، «آزار»، «نال کردن» سخن گفته است و در سه بیت صحنه‌ای تأثیرگذار با استفاده از واژگان حسی در جهت ترسیم رخدادی که امام سجاد (ع) از کربلا تا شام تجربه کرده است؛ عنوان کرده است. شاعر به ویژه در بیت پایانی از واژه «شاهد» سخن گفته است که آشکارا بر غلبه افعال حسی و بصری دلالت می‌کند. همچنین زمانی که از آزارهای کلامی و کرداری به طور کلی سخن می‌گوید، مجموعه‌ای از کنش‌ها و واژگان حسی

را در ذهن متبادر می‌کند که با حفظ دو جنبه شمولیت و بصیرت، خواننده را به فضای موجود در مسیر اسارت می‌برد و تصویری دردناک از آنچه بر امام سجاد (ع) گذشته با خواننده به اشتراک می‌گذارد. به همین صورت، ابیات زیر از همین شعر، با استفاده از واژگان حسی، سعی در انتقال خواننده به قلب حوادث و رخدادهای تراژدیک دارد. شاعر می‌گوید:

وأنت تراها برمضی الطفوف ضحایا علی الترب لم ترفع
وتتخذ النوح طول الحیاة علی فتیة فی الثری صرع
(الجشی، ۲۰۰۳: ۲۷۷)

ترجمه: «تو آنان را از آفتاب جان‌سوز می‌بینی، که همچون قربانی‌هایی بر زمین افتاده‌اند و بلند نمی‌شوند/ تمام زندگی را در نوحه سرایی جوان‌مردی می‌گذرانی که بر خاک افتاد». همانطور که بیان شد، صحنه‌های کربلا و ترسیم آن تعمداً و به گونه فنی، توسط شاعر با واژگان حسی مانند «رمضی»، «ضحایا»، «الترب»، «النوح»، «الثری» «صرع»، منتقل شده است تا خواننده دقیق‌تر، آنچه که در کربلا بر امام حسین (ع) و یارانش گذشته را به گونه عینی و حسی درک کند. شاعر به مانند نقاشی عمل کرده است که مقاطع مختلف صحنه کربلا را که امام سجاد (ع) شاهد آن بوده است را با واژگان حسی بیان کرده است که میزان مصیبتی که امام تحمل کرده به تصویر کشیده شود. به عبارتی این صحنه‌ها، حلقه‌ای مهم از زندگی امام سجاد را تشکیل داده است که همچون رخداد اثرگذار در زندگی امام نقش ایفا کرده است و شاعر به اهمیت این صحنه‌ها آگاه است.

نباید فراموش کرد که جنبه معنویت زندگی و شخصیت ائمه اطهار و ترسیم اخلاقیان ایشان از اهمیت بسزایی برخوردار است. این قضیه سبب می‌شود تا شاعر شعر خود را صرفاً مصروف به تصویرسازی‌های بصری از وقایع و امور مربوط به امام سجاد (ع) نکند، بلکه مسائلی اخلاقی، معنوی یا به طور دقیق‌تر انتزاعی نیز در شکل‌گیری گفتمان اشعار ستایشی نقش دارد. بنابراین شاعر شیعی در هر دو قصیده مورد بحث به این جنبه از گفتمان شیعی توجه کرده است. البته نباید فراموش کرد که تمامی واژگان یک بند یا چند بیت به طور کل حسی یا انتزاعی نیست، بلکه بسامد بالای هر کدام، شاهد مورد نظر را حسی و انتزاعی می‌کند. در نمونه زیر واژگان کلیدی، بیشتر انتزاعی و ذهنی و در صدد بیان مفاهیمی معنوی و ذهنی است:

ولکن فی الأسر راموا قتله وأبست حکمة رب العرش الا
لم یبارحه الشجی وقتاً وان زاد فی أعیاده الوجد و جلا
(الجشی، ۲۰۰۳: ۲۸۱)

ترجمه: «وقتی که اسیر شد، قصد کشتن او را داشتند، ولی حکمت پروردگار جهانیان مانع از آن شد/ هرگز اندوه و غصه او را رها نمی‌کرد، حتی در روزهای جشن و مهمانی نیز این رنج او را رها نمی‌کرد و آشکارتر می‌شد»

شاعر در اینجا از حکمت پروردگار سخن گفته است که در همه حال حضرت سجاد (ع) آن را مد نظر قرار می‌دهد و از اندوهی که از درون، او را بیمار و اندوهگین کرده و لحظه‌ای از او جدا نمی‌شود، سخن می‌گوید. از نگاه شاعر این اندوه حتی در اعیاد نیست، حضرت را رها نمی‌کند. شاعر با استفاده از این واژگان انتزاعی، تصویری از حالت روحی و درونی حضرت ارائه داده است و همراهی همیشگی اندوه با او را مطرح کرده است. یا در نمونه زیر که واژگان انتزاعی سهم بیشتری را به خود اختصاص داده است:

عزلوه عن مقام المصطفی ولله صیره الله محملاً
ومذ اختار لقاه الله به آل مروان شفت ضغناً وغللاً
عجباً كيف رضيع الوحي قد أدركت فيه العدى بالغدر سؤلاً
(الجشعی، ۲۰۰۳: ۲۸۱)

ترجمه: «در حالی امام سجاد را از امر حکومت برکنار کردند که خداوند این مقام را برای او ساخته بود/ آن زمان که به دیدار پروردگارش شتافت، آل مروان کینه‌توزی را پیش گرفتند/ شفقتا که شیرخواره پیامبر الهی، هدف کینه و فریب دشمنان گردد»

شاعر در این ابیات نیز فرصت را مناسب دیده تا نگاهی به جایگاه معنوی حضرت بیان‌دازد. شاعر یک نوع طرحواره تقابلی میان نیروهای خیر و شر که حضرت سجاد و ائمه در یک صف و مروانیان در جهت دیگر قرار دارند، خلق کرده است. واژگان ذهنی چون مقام، لقاء، ضغن، غل، وحی، غدر برای ترسیم این تقابل به کار رفته است. اینکه چگونه کینه و خیانت سبب شده تا شایستگان از مقام واقعی خلع و کنار گذاشته شوند و ناشایستگان بر اریکه قدرت سوار شوند. همچنین در ابیات زیر از قصیده عینیه غلبه واژگان حسی به فراوانی دیده می‌شود:

لو الصبر مثله لم يستطع تحمل ذاك البلا الأفظع
فهب أن ما نال منك العدى وإن عظم الخطب لم تدفع
تضییع تراث بني أحمد وعزمك أمضى من اللمع
وتغضي فديتك عن عصبية أبادت سراتك في مصرع
(الجشعی، ۲۰۰۳: ۲۷۷)

ترجمه: «کسی به مانند او نتوانست شکیبایی کند و این درد فجیع را تحمل کند/ فرض کند که هنگام وقوع بلایای بزرگ نمی‌توانی نادیده بگیری، آنچه را که از سوی تو به دشمنان رسیده است/ تو

میراث پیامبر را از دست می‌دهی، در حالی که اراده‌ات از شمشیر برنده‌تر است/ جانم به فدایت تو از زشتی‌های گروه‌هایی چشم‌پوشی کرده‌ای، که بزرگان را در قتلگاه به شهادت رسانده‌اند»

شاعر در اینجا از واژگان انتزاعی برای مهمترین صفت امام سجاد (ع) یعنی صبر و شکیبایی در مقابل بزرگترین مصیبتی که بر او وارد شده استفاده کرده است. شاعر در اینجا به اصل مصیبت پرداخته است. او به تحلیل روانکاوای این قضیه و مقاومت امام اشاره کرده است. «صبر» و «عزم» امام (ع) در مقابل «البلا» و «الخطب» یک نوع رابطه کنش و واکنش را نشان داده است. این چهار واژه حسی به عنوان واژگان کلیدی مقطع مورد نظر، برای تشریح محوری‌ترین موضوع مربوط به زندگی امام یعنی مصیبت عاشورا، سخن گفته است و یک فضایی روحی آمیخته از اندوه و همذات‌پنداری با استفاده از این واژگان به خواننده القا شده است.

واژگان صریح و ضمنی

دومین نوع از تقسیم‌بندی واژگان مورد بحث در این مقاله، تقسیم آنها به واژگان صریح و ضمنی است. واژگان صریح به واژگانی گفته می‌شود که معنای خود را به طور صریح و شفاف بیان کند (ضیف، ۱۳۷۶: ۱۰) اما واژه ضمنی به واژه‌ای گفته می‌شود که معنای خود را به طور تلویحی بیان می‌کند (پریم، ۱۹۸۸: ۵۸۵). به عبارتی دیگر، معنای صریح که مفهوم اصلی واژه به شمار می‌آید، معنای لغوی آن است و معمولاً در فرهنگ لغات مشاهده می‌شود. اما معنی ضمنی، بخش احساسی، یا تأثیری یک اظهار زبان‌شناختی مثل سبک، لحن، بار احساسی و معنی مفهومی است که در تقابل با معنی اصلی و اساسی ایستا و ثابت قرار می‌گیرد و شرح آن دشوار و بافت محور است (باسمن، ۱۹۹۷: ۲۳۵). هر کدام از این نوع واژگان در تعیین سبک متن بسیار سهیم است که برای توضیح بیشتر نیاز به ذکر چند شاهد مثال از قصاید مورد بحث است که در ادامه می‌آید.

باید توجه نمود که بستگی به نوع متن و موقعیت متنی و گفتمان حاکم در متن، کاربست واژگان صریح و ضمنی در نوسان است و افزایش ارزش یک متن بستگی به توجه به اصل سازگاری واژگان با دیگر عناصر متنی دارد. به عبارتی واژگان صریح و ضمنی انتخاب شده، می‌بایست در ارتباط با بافت متن ذکر شود. در متون شعری شیعی دوره معاصر، به نظر می‌رسد که واژگان صریح بیشتر به کار رود و شاعران با گذشت چندین قرن و با هدف آگاهی بخشی به مخاطب و رفع عوامل سیاسی و اجتماعی بازدارنده، با صراحت بیشتری به بیان عقاید خود درباره ائمه اطهار شیعه علیهم السلام بپردازد. با نگاهی کلی به دو قصیده مورد بحث از «علی الجشی»، چنین موضوعی قابل درک است. شاعر در صحنه زیر از قصیده لامیه با واژگانی تقریباً صریح به بیان شهادت و رفتار امام سجاد (ع) در چنین حالتی می‌پردازد:

لا أرى يخفى عليه الكيد بل رام في الله لتلك النفس بذلا
أفتديه فوق فرش السقم من سمها القاتل بالنفس وملاً
(الجشی، ۲۰۰۳: ۲۸۱)

ترجمه: «نمی‌پندارم که حيله دشمن بر او پوشیده بماند، بلکه او قصد داشت در راه خدا جانش را فدا کند/ جانم به فدایت باد، بیماری تو از آن سم کشنده‌ای بود که بر جانت افتاد و آن را لبریز نمود»

در اینجا شاعر با بیان صریح و قاطع از اینکه امام (ع) جان خود را با آگاهی از اینکه لحظه شهادت او نزدیک است نثار راه خدا کرده است. شاعر از سم کشنده سخن گفته است و تصویری که ارائه می‌دهد با استفاده از واژگان صریح، به راحتی توسط خواننده درک می‌شود. اما شاعر گاهی برای بیان استعاری و تأثیرگذار خود از رخداد‌های مربوط به امام (ع) و جزئیاتی از شخصیت او از واژگان ضمنی‌تری بهره گرفته است و در واقع سعی کرده است در یک صحنه با زبانی عاطفی و ادبی‌تر از امام (ع) سخن بگوید:

بأي المونس للاخري وقد أوحش الدنيا وبیت الوحي أخلا
بأي الراحل عن دار الفنا بددت رحلته للدين شلا
بأي الغصن الذي دوخته أحمد من كان للخيرات أصلا
(الجشی، ۲۰۰۳: ۲۸۱)

ترجمه: «پدرم به فدای تو، تو برای همه مونس بودی و با رفتنت دنیا وحشتناک شد و کعبه خالی گشت/ پدرم به فدایت باد، امام از دار فانی وداع کرد و با دفتنش در دین تفرقه به وجود آمد/ پدرم به فدایت باد، تو پناهگاه مردم بودی و از تبار حضرت محمد (ص) که سرچشمه نیکی‌ها است» شاعر در اینجا زبان را رها کرده تا لندگی وارد جهان استعاری شود و از معانی صریح و تحت‌اللفظی واژگان عبور کند و وارد پهنه‌های ناشناخته‌تری از شعر گردد. در اینجا هم تعبیری چون «أوحش الدنيا»، «بیت الوحي»، «دار الفنا»، «دوخته»، «الغصن» که نشانگر نگاهی فرازبانی به جایگاه امام سجاد (ع) در میان مردم است. در مهم‌ترین بخش این مقطع، شاعر امام را همچون درختی مانند کرده است. ایشان همچون شاخه‌ای است که تنه او به پیامبر (ص) می‌رسد و منبع خیرات و نیکی‌ها است. در چنین فضایی شعر برای افزایش ویژگی ادبیت و تأثیرگذاری بیشتر به سمت واژگان ضمنی پیش رفته است.

شاعر در قصیده دوم نیز تقریباً همین قاعده را به کار برده است. شاعر تلاش می‌کند واژگان صریح و شفاف از موضوع و شخصیت امام ارائه دهد، تا تصویر شفاف‌تری نصیب مخاطب گردد. اما جهان شعر با هدف او سازگاری کامل ندارد و سبب می‌شود که شاعر در مواردی کلماتی به کار ببرد

که از معنای اصلی و لغوی خود تبعیت نمی‌کند. در مورد زیر شاعر واژگان صریح و ضمنی را توأمان به کار برده است:

وما العجم ناطقةً إن تسل
فإن شئت تصیر أو فاجزع
ودع عنك عتباً لدهر أسا
فلیس عتابك بالمنجع
وهل ذمة فيه ترعی وذا
ذمام بني المصطفی ما رعی
(الجشی، ۲۰۰۳: ۲۷۸)

ترجمه: «اگر از این خانه‌های بی‌خانوار چیزی بپرسی، هرگز سخن نخواهی گفت. اگر می‌خواهی یا شکیبایی کن یا بی‌تابی کند/ سرزنش نکن آن روزگاری را که بی‌تابی می‌کند، چرا که سرزنش تو بی‌تأثیر است»

نباید فراموش کرد که واژگان ضمنی در دیوان شاعر در قالب معانی تلویحی روشن‌تری به کار می‌رود و خواننده با آگاهی اندکی از معارف دینی و شعری اسلامی می‌تواند با اندکی کنکاش معانی این واژگان را دریابد. شاعر در اینجا واژه العجم را به کار برده است که در اصل به معنی لال و ناتوان در سخن گفتن است اما به منازل و خانه‌های خرابه به گونه تلویحی اشاره دارد. بنابراین واژه از نوع ضمنی است، ولی خواننده با توجه به شهرت این سبک شعرگویی معنای شاعر را در می‌یابد. همچنین واژه «ذمة» و «زمام» در اینجا به در امان بودن فرزندان رسول (ص) اشاره دارد و شاعر همانطور که در اینجا نیز مشخص است از واژگان ضمنی که معنای مشخصی ندارند بهره گرفته است. در مورد زیر نیز چنین است و شاعر برای بیان تصویر اثرگذار از مصیبت وارده بر حضرت سجاد (ع) از واژگان ضمنی که معنای تلویحی روشنی دارند بهره گرفته است:

كستك المصائب ثوب الأسی
إلی أن قضیت ولم تخلع
وهل کیف تنزع ثوب الأسی
وشمل النبوة لم یجمع
وما صدّ عنك العدی ما أتوا
وبالأسر فی الطف لم تقنع
(الجشی، ۲۰۰۳: ۲۷۸)

ترجمه: «مصیبت‌ها بر تو لباس سوگواری پوشاند و لباس عزا همچنان در تنت بود تا اینکه از دنیا رفتی/ با وجود اینکه همه خاندان پیامبر یکجا جمع نشده‌اند، مگر می‌شود این پیراهن عزا را از تن جدا کنی/ هرگز دشمنان بر آن بلاهایی که بر تو روا داشتند و به اسارت تو در سرزمین طف قانع نشدند»

در این جا همان طور که ملاحظه می‌شود، شاعر برای بیان عمق درد و مصیبتی که امام (ع) با آن مواجهه شده، از واژگان و تعبیر تلویحی بهره گرفته است. «ثوب الأسی»، «شامل النبوة»، «صدّ العدی»، «ستک المصائب» از جمله همین تعبیر است. شاعر در این واژگان به گونه ضمنی به اندوه

بزرگ، عباى نبوت که نشان از تعلق امام سجاد (ع) به خاندان نبوت است و دیگر مفاهیم و بزنگاه‌های مهم اشاره کرده است. شاعر برای بیان فراگیری و شمولیت اندوه و تأثیرگذاری واقعه و رخداد بر خواننده از واژگان انتزاعی بهره گرفته است و قدرت ادبی خود را در خلق تصاویر استعارى و ضمنی به رخ کشیده است.

واژگان نشان‌دار و بی‌نشان

نشان‌داری و بی‌نشان بودن واژگان یکی دیگر از تقسیمات در واژه‌گزینی است که از اهمیت مضاعف نسبت به دیگر انواع برخوردار است. همه‌ی واژه‌ها به طور یکسان حامل ذهنیت و نگرش‌گوینده نیستند. برخی خنثایند (سجودی، ۱۳۸۷: ۴۵) یعنی خالی از معانی ضمنی و مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی هستند و برخی دیگر حامل معانی ضمنی و نشان‌دار هستند. بر این اساس زبان‌شناسان واژه‌ها را به دو دسته بی‌نشان و نشان‌دار تقسیم کرده‌اند (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۶۳) واژه‌های بی‌نشان طبیعی‌ترین، ساده‌ترین و در عین حال بنیادی‌ترین واژگان زبان هستند که هسته‌ای نامیده می‌شوند. واژگان نشان‌دار علاوه بر دلالت بر یک مفهوم خاص، دربردارنده‌ی معانی ضمنی و مفاهیم ارزشی نیز هستند که نگرش و طرز تلقی نویسنده و گوینده را در خود دارند (همان، ۲۶۴). هرچند واژگان نشان‌دار بخش غیر قابل تجزیه و سنگ بنای اولیه و عادی هر متنی است، اما این واژگان نشان‌دار است که جهت و سمت و سوی گفتمان متن را تشکیل می‌دهد.

در رابطه با تحلیل این نوع از واژگان در متون مذهبی و دینی، شایان ذکر است که نشان‌داری واژگان در تعیین سبک اثر نقش برجسته‌تری دارد و در کلام‌هایی که از ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌هایی مشخص نشأت می‌گیرد، به مراتب بیشتر به کار می‌رود. شاعران شیعی از همان سده‌های اولیه شعر را نه به عنوان وسیله‌ای تفننی برای سرگرمی و شعر گفتن، بلکه به عنوان ابزاری ایدئولوژیک به کار برده و در شعر سعی در توسعه و تقویت گفتمان شعی نموده‌اند. «علی الجشی» نیز از این قاعده مستثنی نیست و در شعر خود واژگان نشان‌دار برگرفته از مکتب اسلام و تشیع به وفور دیده می‌شود. به عنوان مثال در نمونه زیر از قصیده لامیه می‌گوید:

معلناً کفراً بسب المرتضى وعلیها بشبا ماضیه حلا
وامام الناس فیها فاسق فی مصلى المصطفى بالناس صلی
وولي الأمر لا أمر له ملکت أعداؤه عقداً وحلا
(الجشی، ۲۰۰۳: ۳۸۱)

ترجمه: «آشکارا کفر می‌گفت و به خاندان علی (ع) دشنام می‌داد در همان سرایی که حضرت سجاد در آن پرورش یافته بود/ کسی که پیشوای مردم قرار گرفته و برای مردم نماز می‌خواند فاسق

است/ او حکومت را بدست گرفت حال آنکه حقی در حکومت نداشت، دشمنان امام (ع) زر و زیورهای این حکومت را از آن خود ساخته‌اند»

استفاده از واژگانی چون «کفر»، «اعلان کفر»، «سب»، «سب المرتضی»، «امام»، «فاسق»، «مصلی»، «مصطفی»، «صلی»، «ولی الأمر» همگی نشانگر توسعه دایره واژگان دینی-اسلامی در کلام شاعر دارد. شاعر قصد دارد، به گونه‌ای عمل کند که خواننده با بار معنایی و ایدئولوژیک فراوانی ابیات او را پایان ببرد. از جهتی دیگر دانش خود نسبت به مسائل و دانش‌های دینی را نشان می‌دهد. در نتیجه واژگان از حالت عادی و خنثی خارج می‌شود و شاعر شخصیت دینی خود را به عنوان یک روحانی عالی مرتبه در قصیده باقی گذاشته است. واژگان مهمی چون «ولی الأمر»، «امام»، «فاسق»، از بار ایدئولوژیک مهمی برخوردار است و شاعر با استفاده از همین ظرفیت به توصیف و ستایش امام سجاد پرداخته است. یا در نمونه زیر از همین قصیده شاعر می‌گوید:

کبرت أهل السما شجواً ومن كان في الأرض أسی تکبیر ثکلی
 لست أدري حين ما قد کبرت لصلاة أم لديها الأمر جلا
 فقدمه یکفی شجی کیف وقد مات تفديه الوری بالسم قتل
 (الجشی، ۲۰۰۳: ۲۸۱)

ترجمه: «همه جهان در این سوگ آنچنان گرسیتند که گویی فرزند خود را قربانی کردند/ گمان نمی‌کنم که همه‌ی جهان به وقت اقامه‌ی نماز، تکبیر گویند یا تکبیر آنان، به هنگام وقوع مرگ در برابر آنهاست/ جانم به فدای آن امامی که خبر غمگینانه‌ی از دست دادن او برای ما کافی بود، دیگر چرا او را با سم به قتل رساندند»

در اینجا شاعر به نحوه شهادت امام سجاد با سم اشاره کرده است و این واژه به طور کلی هرچند خنثی است اما نشان از آگاهی شاعر نسبت به زندگی ائمه اطهار دارد. در نتیجه واژه‌های نشاندار است و شاعر در صدد تبیین شهادت و مظلومیت امام سجاد(ع) است. همچنین واژه «اهل السماء»، «الصلاة»، «تکبیر»، از نشاننداری آشکارتری برخوردارند و شاعر در همه حال سعی دارد برش‌هایی از زندگی امام سجاد (ع) را با استفاده از واژگان نشاندار و هدفمند به تصویر بکشد. به همین صورت، شاعر در قصیده دوم با بهره‌گیری از امکانات و ظرفیت‌های دین اسلام، از واژگان نشان‌دار بهره می‌گیرد. آنگونه که در نمونه زیر از قصیده عینیه که می‌گوید:

«وفوق أساهم بغی رمی بها أفضل السجد الرکع
 إذ أدّرع الصبر فی کربلا وقال لأم الخطوب اصنعي
 فضاق الزمان بما أجلبت كما ضاق رحب الفضا الأوسع
 وكادت من الغیظ تقضي وما أباحت حمی صیره الأمتع»
 (الجشعی، ۲۰۰۳: ۲۷۸)

ترجمه: «و تیره‌های برجسته طغیان و نافرمانی که بر تن پاک و منزّه بهترین سجده کننده و برترین نمازگزار اصابت نمودند/ آنگاه که زره صبر و بردباری در کربلا به تن نمود، به بدترین بلاها گفت هرچه خواهی انجام بده/ از هیاهو او زمانه به تنگ آمد، همانگونه که فضایی گشاده و فراخ به تنگ آمد/ به تدریج، هنگامی که از شدت خشم، داشت از پا در می‌آمد ساحت بردبار خویشتن‌دار خود را هویدا می‌کرد»

شاعر در اینجا از واژگان نشاننداری چون بغی، السجده، الرکوع، الغیظ، کربلا، حمی و غیره بهره گرفته است. هرچند واژگان تقریباً خنثایی چون «الصبر» و «الزمان» نیز در قصیده دیده می‌شود، اما آنها نیز در لابلای مجموعه بیشتری از واژگان نشاندار صبغه نشاندار گرفته‌اند و اُسی به رنج و مصیبت امام و الزمان به زمان خاص شهادت شهدای کربلا اختصاص یافته است. در واقع فضای دینی و گفتمانی با واژگان ارتباطی دوگانه دارد. غلبه چنین فضایی در دو قصیده مذکور، سبب شده تا شاعر واژگانی متناسب با آن از دل فرهنگ اسلام و شیعه بیرون بکشد و خواننده را علاوه بر تجهیز احساس و عاطفه، مجهز به اندیشه‌های نظام‌مند و شیعی نماید. به عبارتی تأثیرگذاری فضای دینی به قدری است که کلمات خنثی نیز صبغه نشاندار و هوشمندانه‌ای به خود گرفته‌اند. از دیگر نمونه‌های کاربرد واژگان نشان‌دار می‌توان به نمونه زیر از همین قصیده اشاره کرد:

فقل للردی من لنا بعده ترکت لدی البأس من مفزع
 عذرت إمام الهدی بعده وسر الحقیقة أن یجزع
 غداة رأی عند تغسیله جروحاً من الأسر لم تجمع
 (الجشعی، ۲۰۰۳: ۲۷۸)

ترجمه: «به مرگ بگو که چه کسی بعد از امام سجاد (ع) فریادرس ما است که در شدت و سختی پناهگایی برای ما باشد/ بعد از شهادت امام سجاد، از امام هدایت عذرخواهی کردم و راز حقیقی امام، این بود که ایشان بی‌تابی می‌کردند/ آن صبحگاهی که امام سجاد (ع) را غسل می‌داند، زخم‌هایی پراکند در پیکرش بخاطر اسارت وجود داشت»

الجشعی در این بخش از ابیات قصیده عینینه، از واژگان نشاندار بهره گرفته و این نوع از واژگان همچنان با بسامد بالایی دیده می‌شود. واژه الهدی، إمام الهدی، سر الحقیقة، تغسیل، جروح، الأسر

نشان می‌دهد که پیوند میان اجزای مختلف ایدئولوژی دینی در شعر شاعر همچنان با قوت از ابتدا تا انتها باقی است. شاعر در مقطعی که به تصویر شهادت و غسل و تدفین امام سجاد می‌پردازد، از زخمهایی که در دوران اسارت از خود در بدن به یادگار دارد سخن گفته است. در واقع شعر او سندی زنده و رسانه‌ای قوی از زندگی و فراز و نشیب‌های یکی از پیشوایان دینی است و شاعر با اتکا بر واژگان نشاندار، جهت و مسیر شعر خود را مشخص کرده است و خواننده را مجبزه به روحیه‌ای دینی و اندیشه‌ای شیعی نموده است.

عموم و خصوص واژگان

یکی دیگر از انواع واژه‌ها بررسی عموم و خصوص واژگان است. در واقع بررسی از این جهت صورت می‌گیرد تا بدانیم آیا واژگان از شمولیت معنایی برخوردارند یا اینکه معنا مشخص و محدودی را منتقل می‌کنند (ورنداک، ۱۳۹۳: ۳۲ و یا دکنی، ۱۳۹۱: ۲۴۷) به نقل از فتوحی واژه‌های خاص اطلاعات بهتری درباره پدیده‌ها به ما می‌دهد و به ادراک تصویری چنگ می‌اندازد و تصویر زنده‌تری ارائه می‌کند (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۵۲). طبیعی است که بررسی واژگان از این جهت می‌توان مضامین و رویکردهای یک متن ادبی را تبیین کند.

شاعر شیعی در صدد مصیبتی است که بر امام سجاد (ع) نازل شده و همانطوری که در بخش واژگانی حسی و انتزاعی هر دو را به گونه متناوب برای اهداف متنوع به کار می‌برد، در اینجا نیز کاربست واژگان خاص و عام برای اهداف مختلفی به کار رفته است. شاعر تعمداً آغاز هر دو قصیده مورد بحث را با واژگان خاص ارائه کرده است تا منجر به تعیین مرزهای قصیده و خلق فضایی ملموس برای دعوت خواننده به فضای قصیده گردد. به عنوان مثال در آغاز قصیده لامیه می‌گوید:

کم مصابٍ قد عری السجاد جلا زلزل الکون وعرش الدین ثلا
 محن کابدها فی کربلا واستمرت لا تری فیهن فصلا
 افتدیه من علیل مسقسّم فاقد بالطف أحباباً وأهلا

(الجشی، ۲۰۰۳: ۲۷۹)

ترجمه: «چه بسیار بلاهای بزرگی که بر سر امام سجاد (ع) آمد. بلاهایی که جهان را به لرزه درآورد و پایه‌های دین را ویران ساخت/ بین بلاهایی که در کربلا پایدار ماند و بلاهایی که (پس از حادثه‌ی کربلا) همچنان ادامه داشت، فصل و جدایی میان آن دو نمی‌یابی/ جانم به فدای آن امام دردمند بیماری که در سرزمین طف، دوستان و خانواده خود را از دست داده است»

در اینجا شاعر به طور دقیق نام امام سجاد (ع) را ذکر کرده است. همچنین واژه الکون و الدین در همان مطلع قصیده با استفاده از «أل تعریف» تخصیص پیدا کرده است. همچنان با ارجاع ضمیر «کابد» در بیت دوم، این واژه هم خاص شده است و در خاص بودن واژه «کربلا» و «الطف» که ابعاد

مکانی قصیده را تعیین می‌کند، تردیدی نیست. در تعبیر «علیل مسقسّم»، صفت مستقسّم واژه علیل را خاص کرده است. هرچند واژگانی عام چون «مصاب» که برای شمولیت و بیان عظمت مصیبت به گونه عام به کار رفته است اما مجموع واژگان خاص بیشتر است و شاعر تلاش کرده است در همان آغاز قصیده ابتدا خواننده را با استفاده از الفاظی خاص که مهم‌ترین ابعاد شعر، یعنی شخصیت، مکان، زمان و مضمون را مشخص می‌کند، خواننده را وارد فضای شعر کند. همچنین مقطع آغازین قصیده عینیه با غلبه واژگان خاص انجام پذیرفته است.

أَجْزَعُ مِنْ وَحْشَةِ الْأَرْبَعِ وَتَبْكِي عَلَي طَلَلِ بَلْقَعِ
وَتَأْسَى عَلَي جِوْرَةِ الْحَمَى دَعَاهَا الْحَمَامُ فَلَمْ تَرْجِعِ
(الجشی، ۲۰۰۳: ۲۷۷)

ترجمه: «آیا از اینکه خانه‌ها خالی از سکنه شده‌اند، بی‌تابی می‌کنی و بر آثار باقی مانده از بلقع گریه سر می‌دهی، بر همسایگان تسلیت گفתי که مرگ آنها را در حمی به سوی خود خواند، آنها رفتند اما برنگشتند».

شاعر در این قصیده با سبکی سنتی که شروع شعر با اطلال و دمن است، قصیده را آغاز کرده است. شاعر امام سجاد (ع) را در مقابل عاشق و منتظری گذاشته است که در خرابه‌های معشوق یا آثار و نشانه‌های کشته‌شدگان کربلا گریه سر می‌دهد. شاعر با استفاده از واژگان خاصی چون بلقع و حمی و همچنین اسمهای معرفه‌ای چون «الأربع» و «الحمام» و «طلل» و «وحشه» به ترسیم دقیق فضای عاطفی شاعر که همچون پلی عاطفی خواننده را به شعر و موضوع قصیده پیوند می‌دهد استفاده کرده است. اما در ادامه هرچند واژگان خاص سهم زیادتری از واژگان شعر را به خود اختصاص داده است، اما واژگانی که جنبه عمومیت و بر معنایی کلی دلالت دارد به کار رفته است. در مقطع پایانی قصیده لامیه شاعر می‌گوید:

إِي الْمَفْزَعِ لِلْخَلْقِ وَان غَصْبَتَهُ الْقَوْمُ بِالصَّبْرِ مَحَلًا
وَحَقِيقُ أَنْ يَعْزِيَ الْمِصْطَفَى وَبَنُو الْوَحْيِ فِيهِ الْخَطْبُ جَلًا
وَلتَجِدُ حَزْنَ أَشْيَاعِهِ كَلِّ عَامٍ وَلَمَّا قَدْ نَالَ يَتْلَى
(الجشی، ۲۰۰۳: ۲۸۱)

ترجمه: «پدرم به فدایت باد، تو پناهگاه مردم بودی، گرچه قوم ستمکار، با شکیبایی این پناهگاه را غصب کرده بودند/ تو شایسته این هستی که پیامبر اکرم (ص) و امام معصوم (ع) به خاطر این مصیبت‌های بزرگ بر تو تسلیت گویند»

در اینجا واژه «خلق» هرچند معرفه است اما در مجموع معنایی عام و شمولی را در مقایسه با واژه‌ای که خود قوم را مشخص کرده نشان می‌دهد. همچنین القوم در همین بیت و واژه الصبر، الخطب، الحزن، عام که در مجموع نشانگر یک فضایی وسیع و قابل تعمیم در رابطه با بیان توصیفات

و حقایقی از امام سجاد است. همچنین شاعر با نکره کردن واژه «حقیق» در بیت دوم، این توسعه دلالتی و معنایی را به طور سعی می‌کند معنای کلی که بر وسعت دلالت مورد نظر دارد القا کند. به عنوان مثال عام بودن واژه حزن بر توسعه و دامنه بزرگ این عنصر اشاره دارد. در مقطع پایانی قصیده دوم نیز این ویژگی دیده می‌شود. شاعر می‌گوید:

فيا وفد أندية المكرمات قنوطاً فسعیك لم ینجمع
و یا طالبی الرشید بدر الهدی عراه الأفول فلم یطلع
(الجشی، ۲۰۰۳: ۲۷۸)

ترجمه: «ای انجمن، گروه‌های ارجمند، نا امید باشد که تمام تلاش شما دیگر به سرانجام نمی‌رسد/ و ای هدایت خواهان، ماه درخشان هدایت غروب نمود و هنوز طلوع نکرده است» شاعر در اینجا از مکرمات که گرچه با الف و لام معرفه شده اما جمع و معنای وسیعی را انتقال می‌دهد سخن گفته است. قنوط، سعی نیز آشکار بر عام بودن واژه دلالت می‌کند. همچنین واژه الرشید، الهدی، الأفول با وجود نکرده بودن بر عام بودن یک مفهوم دلالت می‌کند. شایسته است که معرفه بودن هرچند ابزاری برای خاص کردن واژه است اما با مفهوم واژه خاص در سبک‌شناسی واژگانی متفاوت است. بنابراین شاعر این قصیده را نیز با غلبه واژگان عام به پایان برده است تا خواننده را با شخصیتی که هدایت، رشد و بزرگی و تلاش او فراگیر و جهان-شمول است آشنا کند و خواننده را در فضایی کلی و قابل گسترش قرار دهد.

نتیجه‌گیری

نتایجی که بعد از بررسی اشکال واژه‌گزینی در دو قصیده از «علی الجشی» به دست آمد به شرح زیر است:

این دو قصیده به طور کلی از دو رکن تصویری و غیر تصویری برخوردار است و جنبه تصویری بیشتر مربوط به واقعه عاشورا است که حضرت سجاد در آن حضور داشته است و جنبه غیر تصویری بیشتر به توصیف اخلاقیات امام سجاد (ع) مربوط می‌شود که اولی به افزایش کاربست واژگان حسی و رکن دومی به افزایش کاربرد واژگان انتزاعی انجامیده است. اما از آنجایی که دو قصیده بیشتر متمرکز بر اخلاقیات و بیان خصال نیک امام چهارم شیعیان است، بسامد واژگان انتزاعی بیشتر است و شاعر به گونه مناسب در انتخاب واژگان عمل کرده است.

شاعر شیعی بیشتر خواستار توضیح و انتقال درست و بدون مانع مفاهیم بلند شعر شیعی در رابطه با فراز و فرودهای زندگی امام سجاد (ع) به خواننده است؛ لذا واژگان صریح بیشتر به کار رفته است. اما در مواردی شاعر برای اثرگذاری بیشتر از معانی استعاری و ضمنی بهره گرفته است. از

آنجا که مخاطب این شعرها را طبقه عوام مردم و پیروان تشکیل می‌دهد، واژگان صریح بیشتر به کار رفته است و ملاحظات نیز کنار رفته است.

شاعر شیعی اهل قطیف، تلاش کرده ایدئولوژی و آگاهی خود از معارف اسلامی را در شعر خود به ودیعه بگذارد و از اندیشه‌ها و مضامین اسلامی و دینی و انتقال آن به مخاطب در این فرصت مناسب استفاده کند. این رویکرد به افزایش و بسامد بالای واژگان نشاندار در مقایسه با واژگان بی‌نشان و خنثی انجامیده است و از جهت گفتمانی خواننده را مجهز به اندیشه و بصیرت دینی شیعی می‌نماید.

در رابطه با مؤلفه پایانی یعنی واژگان عام و خاص نیز می‌توان گفت که هر دو نوع این واژگان، به گونه متوازن و متناسب در شعر شاعر به کار رفته است. نشانه‌های زمانی، مکانی و کنشگران اجتماعی و سیاسی منجر به کاربست واژگان خاص و تلاش شاعر برای عمومیت و تعمیم بخشیدن به مقوله‌ها و مضامین بنیادین به کاربست بالای واژگان عام انجامیده است.

کتابنامه

أولمان، ستیفن. (۱۹۷۵م). دور الکلّمه فی اللغّه. ترجمه کمال بشر. القاهرة: دار غریب الحجازی، محمود فهمی. (۱۹۷۸م). مدخل إلى علم اللغّه. القاهرة: دار قباء الجشی، علی (۲۰۰۳)، الروضه العلیه فی رثاء النبی وآله علیهم السلام، نجف منشورات وحی القلم سجودی، فرزانه (۱۳۸۷)، نشانه‌شناسی کاربردی. ویراست دوم. تهران: نشر علم. شبر، جواد (۱۴۰۹)، أدب الطف، قم: دارالمرتضی شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱)، رستاخیز کلمات: درس گفتارهایی درباره نظریه ادبی صورت‌گرایان روس، چ ۳، تهران: سخن.

شمیسا، سیروس (۱۳۹۳الف)، کلیات سبک‌شناسی، ویراست دوم، چ ۴، تهران: میترا. صفوی، کورش. (۱۳۸۷). درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران: سوره مهر، چاپ دوم. ضیف، شوقی (۱۳۷۶)، پژوهش ادبی، ترجمه عبدالله شریفی خجسته، تهران: علمی و فرهنگی. عتیق، عمر عبدالهادی (۲۰۱۰) ظواهر أسلوبیة فی القرآن الکریم، الأردن: عالم الکتب الحدیث طالبیان، یحیی (۱۳۷۸)، صور خیال در شعر شاعران سبک خراسانی، کرمان، عماد کرمان. فتوحی، محمود (۱۳۹۱) سبک‌شناسی، تهران: سخن.

فضل، صلاح. (۱۹۹۸م). علم الأسلوب، مبادئه و إجراءاته. القاهرة: دار الشروق. وردانک، پیتر (۱۳۹۳)، مبانی سبک‌شناسی، ترجمه محمد غفاری، چ ۲، تهران: نی.

Perrine, Laurence (1988), "Literature: Poetry, The Elements of Poetry", Southern Methodist University (Offset in Iran).

Bussmann, Hadumod. (1996). Dictionary of Language and Linguistics. London and New York: Routledge